

مسیح مهاجری نوشته از قانون اساسی فاصله گرفته و جزیره‌ای عمل کرده‌ایم. عیب از یخچال است و تا این سازوکار را تغییر ندهیم چیزی درست نمی‌شود.

در یادداشت روزنامه جمهوری اسلامی آمد؛

جمهوری اسلامی

مسیح مهاجری در روزنامه جمهوری اسلامی نوشته است:

همسایه کنجاوی داشتیم که در دهه هفتاد به دلیل حضورمان در یک مجتمع مسکونی تقریباً هر روز همدیگر را می‌دیدیم و از حال و روز همدیگر باخبر بودیم.

به گزارش اسپادانا خبر، در ادامه یادداشت مدیر مسئول روزنامه جمهوری اسلامی آمده است:

هر دو خانه عوض کردیم و من سال‌ها خبری از او نداشتم. چند روز قبل به صورت اتفاقی او را دیدم ولی با تجربه‌ای پندآموز از همان کنجاوی ذاتی که داشت گف به یک سوپری برای خرید رفته بودم. یکی از اهالی محل را دیدم که با عصبانیت وارد شد و به فروشنده گفت چرا جنس مانده می‌آوری؟ من اول هفته از تو تخم‌مرغ خریدم و بردم توی یخچال خانه‌ام گذاشتم دو روز بعد فاسد شد، پنیر خریدم فاسد شد، ماست خریدم فردا دیدم ترش شده...فروشنده با آرامش عجیبی که نشان می‌داد به درستی کار خودش و آنچه به آن مشتری معترض فروخته اعتماد کامل دارد از او پرسید: مطمئن هستی که یخچالتان عیب و ایرادی ندارد؟ من همین جنس‌ها را به دیگران هم داده‌ام ولی هیچکس تا حالا شکایتی نکرده و همه راضی هستند.

مشتری با شنیدن این سؤال به فکر فرو رفت و چیزی نگفت. از رخساره او معلوم بود که قبول کرده ممکن است عیب از یخچال خانه‌اش باشد.

همسایه کنجاو ما می‌خواست به من بگوید اینکه اوضاع و احوال کشور دچار مشکل است شاید مربوط به این مسئول و آن مسئول نباشد و سازکاری که جور کرده‌ایم و می‌خواهیم همه چیز را در چارچوب آن پیش ببریم، مشکل دارد.

از آن روز تا همین حالا که این ماجرا را برایتان نقل می‌کنم ذهنم مرتب درگیر آن سوپری و مشتری معترض و یخچال خانه اوست. وقتی اوضاع را بررسی می‌کنم می‌بینم چندان هم بیراه نگفته آن سوپری که شاید عیب و ایراد از یخچال باشد.

ایران که یک کشور ثروتمند است. مردم ایران هم که باهوش و خوش‌استعداد و اهل پشتکار و تلاش هستند، قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی و خود نظام هم که در نشیب و فرازهای مهم دهه‌های اول عمر این نظام کارائی خودشان را نشان دادند و در برابر شورش‌ها، جنگ تحمیلی و انواع توطئه‌ها این کشور و این ملت را حفظ کردند و به جلو بردند. بنابراین، عیب از اینها نیست. پس کجا باید دنبال آن سازوکار معیوب بگردیم تا پیدایش کنیم و مشکل را برطرف کنیم؟

آیا ما از قانون اساسی فاصله نگرفته‌ایم؟ جزیره‌ای عمل نکرده‌ایم؟ کارهای همدیگر را ختنی نکرده‌ایم؟ خود را به مقدسات گره زده‌ایم؟ از پذیرفتن اشتباه خود امتناع نکرده‌ایم؟ به سیاست یک کلام نجسبیده‌ایم؟ دافعه را بر جاذبه نچربانده‌ایم؟ اصول را فدای فروع نکرده‌ایم؟ کوچک‌ترها را جای بزرگ‌ترها ننشاندیم؟ به نام مستضعفین مستکبرانه عمل نکرده‌ایم؟ عدالت را قربانی منافع خود نکرده‌ایم؟ شایسته‌سالاری را فدای بله‌فربان‌گویی نکرده‌ایم؟ وقت‌ها و امکانات و نیروها را گرفتار جنگ قدرت نکرده‌ایم؟

اعتراف کنیم که مرتکب تمام این خطاها شده‌ایم و تا این سازوکار را تغییر ندهیم چیزی درست نمی‌شود. مردم به نام‌ها کاری ندارند و محمود و حسن و ابراهیم برای آنها فرقی ندارد. این واقعیت را درک کنیم که مشکل از تخم‌مرغ و پنیر و ماست نیست، عیب از یخچال است.

برچسب‌ها: [انقلاب](#) [1]

[فساد](#) [2]